

تبصره - حق انتخاب عوض اعضائیکه معاف یا مستعفی میشوند مختص انجمن عمومی است و هیئت ذیمدخل در پیشنهاد نامزد مختار خواهد بود .

ماده ۲۱ - در موقع ظهور اختلاف بین هیئت مدیره با سایر هیئت های عامله یا میان هیئت های مزبوره با یکی از اعضاء آنها دعوی بحکمیت قطع خواهد شد .

انحلال

ماده ۲۲ - در موقع انحلال احتمالی انجمن سرمایه تقدی و اثابیه انجمن در تحت نظر آخرین هیئت مدیره و نماینده وزارت معارف در محلی توقیف خواهد شد و هرگاه تا مدت دو سال مجدداً انجمن از اکثریت اعضاء سابق تشکیل نگشت سرمایه انجمن با نظارت اعضاء هیئت سابق الذکر یا نمایندگان آنها و وزارت معارف باعانه مدرسه ایتم یا خرید کتب برای کتابخانه دولتی تخصیص داده میشود .

تذکره ارمغان

سودائی دستگردی

ما از ابد و تأسیس ارمغان در نظر داشتیم که تحت این عنوان « تذکره ارمغان » شرح حال شعرای قرن اخیر ایران را تا جائی که دسترس باشد بنگاریم .

هرچند تاکنون بعلت فراهم نبودن وسایل لازمه کمتر بادای وظیفه موفق شده ایم ولی امید داریم که در آتیّه بیش از پیش از ایشراه بادبیات پارسی خدمت نمائیم .

در شماره سوم ارمغان از مثنوی سرگذشت اردشیرالبته قارئین عظام بخاطر دارند که دو نفر از شعرای بزرگ و معروف باستان اصفهان « فریدالدین احوال » و « آقا محمد خان عاشق » را بمسقط الرأس خویش یعنی قریه « دستگردچی » منسوب داشتیم . در قرن اخیر نیز قریه دستگرد از شعرا و ادبا بی بهره نبوده و یکی از آنها آقای سودائی است که ذیلا مختصری از شرح حال و آثار ادبی او نگاشته میشود .

(سودائی دستگردی)

اسم شریفش حاجی ملا عبدالکریم و تخلص سودائی است . این شاعر دانشور تاکنون که قریب شصت مرحله از مراحل زندگانی را طی کرده همواره با فقر توأم و با قناعت و مناعت همدم بود در آغاز جوانی با نهایت تنگدستی بتحصیل علوم عربیه و ادبیه در مدارس اصفهان مشغول شده و از راه کتابت معیشت خود را فراهم میداشته .

با اینحال در فاصله چهار سال بیش از بیست سال دیگران تحصیلات خود را ترقی داده علم و ادب و حکمت آموخت .

سودائی چنانچه شیوه روحانین دهات است در قریه دستگرد گاه گاه افتتاح مکتب خانه نموده و بتعلیم اطفال روزگار میگذرانید . نگارنده تحصیلات قارسی و مقدمات صرف و نحو را تا سن دوازده سال در خدمت این استاد معظم تکمیل نموده و در اوانی که شاید هشت یا نه ساله بودم بدرجه استعداد خود در مکتب موزون سرائی میگردم استاد نیز همواره از قریحه و استعداد فطری من خشنود بوده از تعلیم و تشویق کوتاهی نمیفرمود بخوار دارم

که همان زمان تخلص لمعه بعد از پیشنهاد استاد قبول نمودم و پس از آن در دوره تحصیلات عربیه در مدارس اصفهان حسب الامر استاد بزرگ دیگر آقا میرزا حبیبی مدرس و شاعر اصفهانی ادام الله بقاءه که عنقریب شرح حال او مفصلا نگاشته میشود تخلص وحید را قبول نمودم .

باری سودائی با آنکه در طی دوره زندگی همواره دوچار سختی مصیبت بوده و هست بوظیفه شاعری خود کاملا رفتار نموده کتب بسیار تألیف کرده و دیوان اشعار او اکنون بر بیست هزار بیت بالغ میشود . اینک نمونه از اشعار او است .

غزل

از بس گرفته بردل زارم زمانه تنک بر آتش دلم شده راه زبانه تنک
 از بس خدنگ محنت و غم در دلم نشست بر تیر غمزده اش شده جای نشانه تنک
 هر گوشه دلم شده جای هزار غم زانسانکه جای فکر بود در میانه تنک
 شد سینه ام زناله به مرغ نفس نفس بر چشم گشت ز اشک روان چشم خانه تنک
 دل تنگتر ز حلقه گیسوی دلبر است با آنکه هست در شکش جای شانه تنک
 روزم شده زناله جانسوز همچو شب شب چون نفس بمن شده زاه شبانه تنک
 بس دل ز هجر گل بغغان شد چو عندلیب گردیده است نای گلو بر ترانه تنک
 سودائی ارچه قافه تنک است و دل ملول بر ختم شعر نیست طریق زمانه تنک

دو قطعه هم

راحت و عشرت و فراغت دل نشود جمع با جهانداری
 روغن کنجد از بینی صاف یاد آور ز سنک عصاره
 پیای هربت سیمین فرو میاور سر بود که روش بود خوب و خوش بد باشد
 برنک سبز قبای جهان مشو مفتون که رنگش ارچه بود خوب بوش بد باشد